

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله دوازدهم از عروة درباره نیت روزه بود چون روزه از اعمالی است که بدون نیت تحقق پیدا نمی کند و تنها امساک بدون نیت صوم محسوب نمی شود بلکه امساک که همراه با نیت صوم باشد صوم محسوب می شود، از طرفی هم خداوند متعال وقت صوم را در قرآن مجید این طور معین می کند: « کلو واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر ثم أتموا الصیام إلى الیل » (بقره ۱۸۷) خداوند متعال می فرماید که کلو واشربوا تا موقعی که خیط ابیض یعنی فجر صادق در افق ظاهر شود، البته جوانب این خط سفید سیاه و تاریکی است فلذا آن فجر صادق را خیط ابیض تعبیر کرده و خیط أسود هم در اطراف آن خط سفید می باشد که هنوز تاریکی است بنابراین معلوم می شود که اول روزه از طلوع فجر آغاز می شود، بعد خداوند متعال می فرماید که: « ثم أتموا الصیام إلى الیل » یعنی آخر روزه هم موقعی است که لیل محقق بشود .

روایتی هم داریم که در آن آمده است: « لا صیام لمن لم یبیت الصیام من الیل » یعنی صیامی برای کسی که با نیت شب را به روز نیاورد نیست، این روایت از طرق ما در مستدرک الوسائل باب دوم از ابواب وجوب صوم نقل شده و از طرق عامه در سنن أبی داوود جلد سوم ص ۳۲۹ باب النیة فی الصیام نقل شده ، بنابراین طبق تعریف قرآن و این روایت پیکره روزه اصلی همین است که از طلوع فجر تا غروب آفتاب امساک به قصد صوم باشد .

در ارتکاز متشرعه هم صوم همین است و اگر از آنها سؤال شود که صوم چیست؟ می گویند آن است که شما از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت صوم امساک کنید ، از طرفی ما می بینیم که مواردی وجود دارد که شارع مقدس در آنها اکتفا کرده به این که صوم از طلوع فجر نیست بلکه اگر شما قبل از زوال هم نیت کنید شارع مقدس آن را روزه حساب کرده .

مسئله ۱۲ عروة همانطور که عرض کردیم دارای چهار فرع می باشد، فرع اول که دیروز آن را خواندیم این بود که آخرین وقت برای نیت کردن در روزه واجب معین رمضاناً کان أو غیره مثل نذر معین عند طلوع الفجر می باشد و این نیت باید تا غروب مستدام باشد .

اما فرع دوم این بود که اگر کسی ناسی یا جاهل باشد و در شب تا طلوع الفجر نیت صوم نکند، اگر ناسی تا قبل از ظهر متوجه شد و جاهل هم علم پیدا کرد که ماه رمضان است می توانند نیت کنند و روزه آنها صحیح می باشد، با این که این روزه غیر از روزه اولی است چون که اولی از طلوع فجر بود ولی اینجا روزه از نیم ساعت مانده به ظهر آغاز شده .

بحث امروز ما در همین فرع دوم می باشد؛ « و مع النسیان أو الجهل بکونه بکونه رمضان أو المعین الآخر یجوز متی تذکر إلى ما قبل الزوال إذا لم یأت بمفطر ، وأجزأه عن ذلک الیوم ولا یجزیه إذا بعد الزوال ». دلیل این مطلب که فقها بر آن اجماع کرده اند سه وجه دارد، وجه اول: استدلال به روایاتی است که در مورد مسافر و مریض وارد شده، فقها در اینجا گفته اند وقتی که ما روایت داریم مسافر اگر قبل از ظهر وارد وطنش شد و قصد کرد روزه اش صحیح است و همچنین در مورد مریض هم روایت داریم که اگر تا قبل از ظهر خوب شد و قصد کرد روزه اش صحیح است، از این دو مورد می فهمیم که در مانحن فیه به طریق اولی روزه جاهل و ناسی صحیح است چون در آنجا مسافر و مریض اصلاً مکلف نبودند ولی در اینجا ناسی و جاهل امر دارند ولی امرشان منجز نیست فلذا وقتی که در مریض و مسافر کافی است در اینجا به طریق اولی باید کافی باشد.

وجه دوم: حدیث رفع می باشد که در آن آمده: « رفع عن امتی ما لا یعلمون » که ما لا یعلمون در اینجا صادق است چون آن شخص نمی دانسته که ماه رمضان است فلذا تا وقتی که نمی دانسته اشکالی ندارد ولی اگر تا قبل از ظهر عالم و متوجه شد باید نیت صوم کند و اشکالی هم ندارد .

وجه سوم: روایت مرسلی است که در تذکره و منتهی و جواهر نقل شده، و عرض کردیم که روایت از طرق عامه نقل شده و در آن آمده است: « من أن لیلة الشک أصبح الناس ، فجاء اعرابی فشهد برؤية الهلال ، فأمر (صلی الله علیه وآله) من لم یأکل فلیصم و من أکل فلیمسک ». صاحب جواهر این روایت را در ذیل ص ۱۹۷ از جلد ۱۶ جواهر از سنن بیهقی نقل می کند، سنن بیهقی در میان سنی ها تقریباً مثل وسائل الشیعه ما می باشد یعنی بیهقی روایاتی را از کتب صحاح بخاری و مسلم و غیره جمع کرده، این روایت در ص ۲۱۲ از جلد ۴ سنن بیهقی نقل شده است .

درباره این خبر باید عرض کنم که اولاً خبر مرسل است و ثانیاً از طرق عامه نقل شده ولیکن فقهای ما به آن استناد کرده اند که طبق

ایشان می فرمایند که اجماع هم بر این مسئله داریم و حدیث اعرابی هم به خاطر عمل فقها ضعفش جبران شده و خلاصه ایشان تکیه به اینها می کند و می گوید که درست است .

علامه شیخ محمد تقی آملی نیز در مصباح الهدی أدله را تمام می داند و حکم به صحت روزه جاهل وناسی می کند و همچنین محقق همدانی در ص ۳۱۱ تا ص ۳۱۴ از کتاب الصوم مصباح الفقیه به این ادله اکتفاء می کند .

تنها کسی که در اینجا پرچمدار مخالفت صریح می باشد آیت الله خوئی اعلی الله مقامه می باشد و فقط ایشان در اینجا بر عروة حاشیه زده اند و فرموده اند که: « فی کفایته فی شهر رمضان اشکال و الأحوط عدم الکفایة » .

آقای خوئی در ص ۴۴ مستند العروة به این استدلال اشکال کرده اند ، اشکالات ایشان این است که؛ اول: استدلال به روایت مریض و مسافر و قیاس جاهل و ناسی به آنها درست نیست و دلیلش هم این است که مریض و مسافر اصلاً امر به روزه ندارند تا وقتی که قبل از ظهر مثلاً مریض خوب شود و یا مسافر به وطنش برسد ولی جاهل و ناسی از همان طلوع فجر امر به روزه دارند پس نمی شود ما بگوئیم که جاهل وناسی از طلوع فجر امر داشته اند ولی امتثال نکرده اند تا ساعت یازده که نیت کرده اند چرا که در اینجا دیگر اجزاء محقق نمی شود چون اجزاء یعنی اینکه مآتی به با مأمور به مطابق باشد، در اینجا مأمور به و ما امر به الشارع برای ناسی و جاهل از طلوع فجر بوده که ناسی و جاهل از آن اطاعت نکرده اند چون که نیت روزه نکرده اند، ولی در مریض و مسافر که از ابتدا امر به روزه نداشته اند ما امر به الشارع و مأمور به آنها از موقعی است که نیت کرده اند مثلاً از ساعت یازده که در واقع روزه آنها ۹ ساعت می باشد ولی روزه ناسی و جاهل ۱۵ ساعت می باشد چون از ابتدا امر داشته اند، بنابراین ناسی و جاهل از طلوع فجر امر داشته اند فلذا ما امر به الشارع لم یأت به و ما آتی به لم یکن مأموراً به ، در این صورت چطور می توانیم اینها را به مسافر و مریض قیاس کنیم و بگوئیم که مجزی است .

بعد ایشان در روایت اعرابی و حدیث رفع هم خدشه کرده اند ، منتهی در اینجا لازم است که بنده مطلبی را عرض کنم و آن اینکه هر چند همانطور که عرض کردیم صوم عبارت بود از امساک از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت صوم ، اما موارد بسیاری را ما می بینیم که شارع اکتفاء به بعضی از صوم ها کرده است و تنها این اکتفاء انحصار به اینجا که شخص می خواسته روزه واجب معین بگیرد و بعد جاهل وناسی شده ندارد چون بعداً ما می رسیم به جایی که شارع فرموده اگر شخصی در

مبنای ما استناد و عمل فقها به این خبر ضعفش را جبران می کند ، این سه وجهی بود که مشهور فقها به آنها برای صحت استدلال کرده اند که آنها را ذکر کردیم .

درباره این استدلال بحث در میان فقها بسیار است من جمله اینکه آیت الله حکیم در جلد هشتم از مستمسک در ص ۲۱۴ به این دلائل اشکال می کند و در آخر فقط به اجماع تکیه می کند ، ایشان می فرمایند که و اما به خبر مسافر و مریض نمی توانیم استدلال کنیم چون در مانحن فیه بحث از جاهل و ناسی می باشد فلذا اگر شارع مقدس حکمی را درباره مسافر و مریض بیان کرده نمی تواند برای ما دلیل واقع شود چون ممکن است که یک مصلحتی و یا ملاکی در مسافر و مریض باشد که در جاهل و ناسی نیست فلذا تعدی حکم از مسافر و مریض به ما نحن فیه مشکل است .

و اما حدیث رفع فقط مؤاخذه را بر می دارد و دیگر عمل را تصحیح نمی کند مثلاً اگر شما در نماز سوره را فراموش کردی مؤاخذه نیستی ولی دیگر حدیث رفع نمی گوید که نماز شما صحیح است، پس بحث ما در صحت و بطلان (حکم وضعی) می باشد فلذا نمی توانیم در مانحن فیه که بحثمان در صحت و عدم صحت است به حدیث رفع استدلال کنیم .

و اما در مورد آن خبر باید عرض کنیم که اولاً عامی است و ثانیاً مرسل هم است و ثالثاً اینکه آن شخصی که آمد و شهادت داد اعرابی بود و در شهادت عدالت معتبر است و مضافاً اینکه آن شخص یک نفر بود در صورتی که ما در شهادت به دو نفر نیاز داریم فلذا اشکالات فراوانی به این وارد است ، بعد از ذکر اشکالاتی به این استدلال که در جواهر هم بیان شده تکیه مستمسک به اجماع می باشد فلذا فرموده است که: « فالعمده إذ الإجماع » .

در اینجا اگر مراد اجماع مدرکی باشد برای ما حجت نیست چون اجماع مدرکی در جایی است که ما مدرک مجمعین را در دست داشته باشیم که در این صورت دیگر اجماع برای ما حجت نیست ، بلکه آن اجماعی برای ما حجت است که مدرکش در دست نباشد و ما حدس اطمینانی داشته باشیم که مجمعین یک سندی در دستشان بوده که معتبر بوده ولی به ما نرسیده ، پس اگر مدرک مجمعین در دست ما باشد آن اجماع مدرکی می باشد نه اجماع تبعیدی.

سید عبد الأعلی سبزواری اعلی الله مقامه در ص ۳۰ تا ص ۳۱ از جلد ۱۰ مهذب الأحکام به حدیث رفع اعتماد کرده و می گوید که حدیث رفع بر مانحن فیه دلالت دارد و در مقام امتنان می باشد و امتنان هم به این است که نه تنها مؤاخذه نیست بلکه روزه ما هم صحیح است ، بعد

روزه غیر معین هم قصد روزه گرفتن نداشت تا قبل از ظهر اگر مفطری انجام نداده باشد می تواند قصد روزه کند و روزه اش صحیح است، حتی بعد از غیر معین می رسیم به صوم مندوب که در آن حتی اگر شخصی مفطری انجام نداده باشد می تواند نزدیک غروب هم قصد و روزه اش هم صحیح است، پس ما موارد بسیاری داریم که از طلوع فجر تا غروب آفتاب به نیت صوم امساک نکرده ولی شارع روزه اش را پذیرفته .

خوب حالا شما که در مانحن فیه اشکال می کنید و می گوئید نمی توان جاهل و ناسی را به مسافر و مریض قیاس کرد در این موارد کثیره ای که وجود دارد چه خواهید گفت؟ پس باید یک جواب کلی داشته باشیم و آن جواب به نظر بنده این است که شارع مقدس در خیلی از جاها به چیزی که از اول اولی نقصان دارد اکتفاء کرده و آن را قبول کرده .

این طور أدله بر أدله داله بر اعتبار امساک از طلوع فجر تا غروب حاکم هستند و حکومت این است که أحد الدلیلین تشریحاً و تنزیلاً در دلیل آخر تصرف می کند، گاهی در عقد الوضع و گاهی در عقد الحمل، دلیل آخر تصرف می کند که البته اکثراً در عقدالوضع تصرف می کند، گاهی توسعه می دهد و گاهی تضييع می کند یعنی دائره محکوم را که وسیع بود تضييع می کند .

پس شارع ارفاقهای فراوانی در باب روزه دارد که مردم فکر نکنند حالا که روزه واجب شد باید در مضیغه قرار بگیرند فلذا اینها همه ارفاقات شارع از باب حکومت می باشد و ما به آیت الله خوئی می گوئیم که شما اگر در اینجا این اشکال را می کنید در جاهای دیگر چه جوابی دارید؟ بنابراین ما در جواب آقای خوئی می گوئیم که این ادله فراوانی که دلالت دارند بر اینکه شارع مقدس ارفاقاً خیلی از جاها غیر صوم را به آن معنی پذیرفته حکومت دارند بر آن أدله اولیه....

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد واله الطاهرين

